



امیر سودبخش



آقایان محمدرضا زاغری

معاون مدیر امور مالی / معاون اداره حسابداری مدیریت و بودجه

بررسی مقایسه‌ای بهای تمام شده منابع، به روش بانک مرکزی (سنتی) و روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت (ABC)

«بخش نخست»

مقدمه

رقابت برای بهبود کیفیت محصولات و خدمات، سرنوشت همه صنایع و مؤسسات خدماتی را رقم می‌زند. تاکنون مطالعات متعددی در ارتباط با بهبود کیفیت و تنوع محصولات و عوامل مؤثر بر آن صورت گرفته اما کم‌تر به مؤسسات اعتباری پرداخته شده است. نظام بانکی دولتی ایران و مؤسسات اعتباری وابسته به دولت، به‌عنوان مراکز مالی که اکثریت مردم با آن‌ها سروکار دارند، امروزه با چالش‌های بی‌شماری مواجه است. حضور بانک‌های خصوصی، زمزمه فعالیت بانک‌های خارجی و همچنین پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی، نیاز به تغییر نگرش در نحوه ارائه خدمات را به یک الزام تبدیل نموده است. الزامی که خود، نیازمند راهبردهای متنوعی است تا بتوان به‌وسیله آن‌ها بر چالش‌های مذکور فایز آمد.

این تحقیق بر آن است؛ تا اصلی‌ترین بحث بانک‌ها و مؤسسات اعتباری - که همانا شناسایی قیمت تمام‌شده پول است - را از جهات علمی، فنی، شرعی و قانونی مورد مطالعه قرار داده و سعی دارد؛ برای تعیین نرخ تسهیلات اعطایی، شیوه‌ای را پیشنهاد کند که بتواند مبنای عمل قرار گرفته و به شفافیت صورت‌های مالی کمک کند. تحقیق حاضر، با عنایت بر اهمیت بهای تمام‌شده در تصمیم‌گیری‌های مدیران و مزایای گوناگون مترتب بر بهره‌گیری از سیستم بهایابی بر مبنای فعالیت در بخش‌های خدماتی، به‌ویژه در صنعت بانکداری طراحی شده است. در این مقاله، محاسبه بهای تمام شده منابع و تسهیلات به‌روش بهایابی بر مبنای فعالیت (ABC) با بهای تمام شده به

روش بانکی (سنتی)، مورد مقایسه و تحلیل قرار خواهد گرفت. جامعه آماری این تحقیق، شعب بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در سراسر کشور بوده و نمونه انتخابی، شامل ۵۰ شعبه است. شیوه انتخاب نمونه بدین ترتیب بوده است که کل کشور به ۱۰ منطقه تقسیم‌بندی شده و از هر منطقه ۵ شعبه، به‌عنوان نمونه نهایی برگزیده شدند. مبنای انتخاب شعب نیز، بدین شکل بوده است که ابتدا ۱۰ شعبه از هر منطقه که بیش‌ترین منابع را داشته‌اند، انتخاب و سپس از بین این ۱۰ شعبه، ۵ شعبه که بیش‌ترین مصارف را داشتند، به‌عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند.



1- activity based costing

**حسابداری بهای تمام شده**

«حسابداری بهای تمام شده» عبارت است از: گردآوری و تحلیل هزینه‌ها، به‌منظور تعیین قیمت تمام شده کالا و خدمات و ارائه اطلاعات هزینه‌ای برای تصمیم‌گیری مدیران.

طبقه‌بندی اجزای بهای تمام شده، عوامل اصلی تشکیل دهنده هزینه‌ها در سیستم تولیدی شامل: مواد، کار (دستمزد) و سایر هزینه‌ها است و در سیستم خدماتی (بانکی) شامل هزینه تأمین منابع، دستمزد و سایر هزینه‌ها می‌شود.

چنانچه هر یک از این عوامل، مستقیم در تولید محصول به‌کار رفته باشند، هزینه مستقیم و در غیراین صورت، هزینه غیرمستقیم نامیده می‌شوند.

اصولاً قیمت تمام شده در یک بانک از اجزای زیر تشکیل شده است:

هزینه تأمین منابع: هزینه‌هایی که مستقیماً به سپرده‌گذاران بابت سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری پرداخت می‌شود و یا هزینه‌هایی که بابت اعطای جوایز قرعه‌کشی سپرده‌های قرض‌الحسنه و یا به‌عنوان هزینه تبلیغات جذب منابع صرف می‌شود.

کارمستقیم: کاری است که مستقیماً موجب تبدیل منابع به تسهیلات می‌شود. در این رابطه می‌توان از هزینه حقوق و مزایای کارکنان شعب، به‌عنوان کار مستقیم نام برد.

هزینه‌های غیرمستقیم: هزینه‌هایی هستند که به‌طور غیرمستقیم به امر تولید تسهیلات کمک می‌کند، مانند: هزینه حقوق ستاده‌های سرپرستی و دفتر مرکزی و هزینه‌های اداری و عمومی، هزینه استهلاک و سایر هزینه‌ها. اگر چه صرف این هزینه‌ها در تولید تسهیلات حائز اهمیت هستند ولی در اصول حسابداری بهای تمام شده جزء هزینه‌های غیرمستقیم محسوب می‌شوند.

سیستم هزینه‌یابی سنتی

در سیستم‌های سنتی، هزینه سربرار با استفاده از یک محرک هزینه مبتنی بر حجم، به محصولات یا سفارش کار تخصیص داده می‌شود. در این خصوص، دو روش وجود دارد: روش اول مبتنی بر این فرض است که هر محصول از مقدار مشابهی، هزینه‌های

سربرار استفاده می‌کند. یعنی: رقم کل سربرار، تقسیم بر تعداد محصول تولید شده می‌شود و به تمام محصولات، مقدار یکسانی از هزینه‌های سربرار تخصیص می‌یابد. اما در روش دوم که مورد قبول تعداد بیش‌تری از حسابداران است، به‌جای تخصیص مقدار مساوی از هزینه‌های سربرار به هر محصول، تخصیص هزینه سربرار، متناسب با میزان ساعات کار مستقیم مورد نیاز برای تولید هر واحد محصول انجام می‌شود؛ زیرا ساعات کار مستقیم بیش‌تر، به‌معنای افزایش هزینه‌های سربرار است.

با این حال، معمولاً در اکثر واحدهای تجاری، هیچ‌کدام از این دو روش نمی‌توانند رقم دقیق بهای تمام‌شده محصول را ارائه نمایند؛ از این‌رو، اکثر شرکت‌ها ترجیح می‌دهند، از روش هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت (ABC) استفاده نمایند.

سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت

در سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، هزینه سربرار با استفاده از معیار علت و معلولی و محرک‌های هزینه متعدد، به محصولات تخصیص می‌یابد. در سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، هم از معیارهای مبتنی بر حجم و هم از معیارهای غیرحجمی استفاده می‌شود تا تخمین هزینه سربرار، به‌گونه‌ای دقیق‌تر و با توجه به میزان منابعی که هر محصول ضمن برخورداری از فعالیت‌های مختلف مصرف کرده است، صورت پذیرد.

هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، روشی برای تعیین دقیق هزینه‌ها است. با وجود این‌که هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت، ابداع جدیدی در عرصه حسابداری صنعتی است اما با سرعت بالایی در بخش‌های مختلف و حتی سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی گسترش یافته است. برای رفع مشکلات تسهیم سربرار و بالابردن دقت تخصیص آن، موضوعاتی نظیر: هزینه و سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت مطرح شده‌است که در آن هزینه سربرار، متناسب با میزان استفاده هر موضوع هزینه از فعالیت‌ها و منابع صرف‌شده در این خصوص، محاسبه می‌شود. در چنین شرایطی اگر مقدار هزینه سربرار شرکت در مقایسه با مواد و دستمزد مستقیم، مقدار قابل ملاحظه‌ای باشد، استفاده از سیستم مبتنی بر حجم

می‌تواند به‌طور چشم‌گیری منجر می‌گردد تا بهای تمام‌شده محصولات، بیش از واقع یا کم‌تر از واقع، نشان داده شود؛ در این صورت، استفاده از هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت ضرورت می‌یابد.

تشریح تئوریک مراحل به‌کارگیری سیستم**ABC در یک بانک یا مؤسسه اعتباری**

۱- ارزیابی فعالیت‌ها: پیش از هر چیز باید قلمرو فعالیت‌ها تعیین شود. تعیین درست فعالیت‌ها، مهم‌ترین چالش در پیاده‌سازی این روش است. در این مرحله باید فرآیند تولید کالا یا خدمت به فعالیت‌هایی مجزا و بدون هم‌پوشانی تجزیه گردد. عمق و دقت ارزیابی‌های این روش، در فرآیند تحلیل آن‌ها مشخص خواهد شد. سپس باید هر فعالیت را به یک کالا یا خدمت تولیدی اختصاص داد. همواره برخی از فعالیت‌ها میان چند کالا یا خدمت تولیدی مشترک هستند.

۲- جمع‌آوری هزینه‌ها: پس از مشخص شدن تمام فعالیت‌ها و تخصیص آن‌ها به کالاهای و خدمات تولیدی، تمام هزینه‌های فرآیند تولید، جداگانه، گردآوری می‌شود. این هزینه‌ها در یک کارگاه صنعتی می‌تواند از جنس دستمزد، هزینه‌های توسعه، ماشین‌آلات، لوازم اداری و غیره باشند که در سیستم بانکی عبارتند از:

۱. هزینه‌های پرسنلی.
۲. هزینه‌های اداری.
۳. هزینه‌های تأمین منابع (سپرده‌ها).
۴. هزینه‌های مالی.
۵. هزینه‌های استهلاک.

۳- ردیابی هزینه‌ها در فعالیت‌ها: در این مرحله، نتایج در مرحله قبل در هم تلفیق می‌شوند؛ به این ترتیب که با توجه به محرک هزینه‌ها، هر هزینه به فعالیت‌ها تخصیص می‌یابد. در این مرحله، هزینه‌ها اندازه‌گیری نمی‌شوند و فقط ارتباط هر هزینه با فعالیت‌ها به‌دست می‌آید.

۴- پیاده‌سازی سیستم اندازه‌گیری خروجی: در این مرحله، هزینه حقیقی هر واحد از یک فعالیت به‌دست می‌آید. هزینه هر واحد از یک فعالیت، برابر با حاصل تقسیم مجموع هزینه‌های مرتبط با یک فعالیت (اعم از: هزینه‌های فعالیت‌های اولیه و ثانویه آن فعالیت مورد نظر) به

تعداد یا اندازه آن فعالیت است.

در پایان این مرحله، یک صورت حساب از فعالیت‌های محاسبه شده ساخته می‌شود که در آن، فهرست فعالیت‌ها و مقدار هر یک از آن‌ها و هزینه هر واحد از آن فعالیت‌ها مشخص شده است. با توجه به توضیحات ارائه شده شاخص‌هایی مانند: میزان پردازش سند، جذب منابع، حجم ساعات کاری و ... در سیستم بانکی مشخص گردیده و هزینه‌های مرتبط با آن سنجیده می‌شود.

۵- ارزیابی هزینه‌ها: در مرحله نهایی، با توجه به صورت حساب تهیه شده، هزینه هر کالا یا خدمت تولیدی به دست می‌آید. به علاوه، از روی صورت حساب‌های موجود می‌توان به تحلیل این مسأله پرداخت که کدام فعالیت‌ها غیر ضروری هستند و یا دارای هزینه‌های غیر ضروری هستند

که می‌توان آن‌ها را کاهش داد. این فرآیند به مدیران اجازه می‌دهد که فعالیت‌های بدون ارزش افزوده را بیابند و اقدام غیر ضروری آن را حذف کنند. حال با داشتن شاخص و مشخص کردن سهم آن‌ها در هزینه‌های سیستم بانکی می‌توان به راحتی بهای تمام شده هر خدمت را ارائه نمود.

۱-۵- مدل محاسبه قیمت تمام شده انواع سپرده‌ها

$$R_{t,d} = C_{oa} + C_{noa} - [V_{ad} * (R_{ld} * PR_r) + (L_d * r_l)] / V_{ad} * [1 - (R_{ld} + L_d)]$$

$R_{t,d}$ - نرخ هزینه سپرده (بهای تمام شده سپرده).
 C_{oa} - هزینه‌های فعالیت‌های عملیاتی (بهره‌ای).
 C_{noa} - هزینه‌های فعالیت‌های غیر عملیاتی (غیر بهره‌ای).

V_{ad} - متوسط مانده سپرده.

R_{ld} - نسبت سپرده قانونی برای سپرده.

PR_r - نرخ سود سپرده قانونی.

L_d - نسبت نگهداری سپرده جهت نقدینگی.

r_l - نرخ سود نقدینگی نزد بانک‌های عامل.

۲-۵- مدل محاسبه قیمت تمام شده انواع تسهیلات

$$R_{t,l} = C_d + C_l / N_t$$

$R_{t,l}$ - نرخ محصولات.

C_d - هزینه سود سپرده‌های مصرف شده.

C_l - هزینه‌های تخصیص یافته به تسهیلات

و وام‌های اعطایی.

N_t - خالص تسهیلات و وام‌های اعطایی.

این مقاله در نشریه معتبر ISC چاپ شده است

منابع

- ♦ عرب مازار یزدی، محمّد و ناصری، مهدی (۱۳۸۲). «امکان‌سنجی طراحی مدل محاسبه بهای تمام شده سپرده‌های بانکی، به روش هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت در بانک رفاه». بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۳۴، صص. ۲۶-۳.
- ♦ نمازی، محمّد و ناظمی، امین (۱۳۹۰). «ارزیابی تطبیقی سودمندی اطلاعات سیستم هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت با هزینه‌یابی سنتی در بانکداری الکترونیک (مورد مطالعه بانک کشاورزی ایران)».
- ♦ Al Nasser, A. and Li W. (2008). «Why Did ABC Fail at the Bank of China?». Management Accounting Quarterly, Spring, Vol. 9, No. 3, PP.7-14.
- ♦ Carenys, J. and Sales, X. (2008). «Costing the Banking Services»: A Management Accounting Approach, Journal of Money, Investment and banking, Iss. 6, PP. 35-53.
- ♦ Franklin, E. and Kocakulah, C. (2002). «Activity Based Costing and Managed Asset Programs in the Banking Industry» The Journal of Bank Cost & Management Accounting, Vol. 15., No. 3. PP.46-64.
- ♦ Fuster, J. (2007). «Management Accounting in Spanish Saving Banks»: An Empirical Investigation, Journal of Performance Management, Vol. 20, No. 1, PP.33-65.
- ♦ Kaplan, R. S. (1987). «American Banks», Harvard Business Cases.
- ♦ Vieira, R. and Hoskin, R. (2004). «Management Accounting Change in the Financial Services Sector»: The Implementation of Activity Based Costing in a Portuguese Bank, Working Paper presented at the Fourth Asian Pacific Interdisciplinary Research in Accounting Conference.
- ♦ Rezaee, Z. (2005). «The Relevance of Managerial Accounting Concepts in the Banking Industry», Journal of Performance Management, Vol. 18., No. 2., PP. 3-16.

* یادآور می‌شود؛ نویسنده مقاله «بازاریابی عصبی - بخش دوم» که در نشریه شماره (۱۱)، به چاپ رسید، «خانم محبوبه بناهان قمی» از «منطقه غرب تهران بزرگ» بود که ضمن پوزش از این همکار محترم، مراتب بدین وسیله اصلاح می‌گردد.

